



روزنامه‌نگاری حرفه‌ای - روزنامه‌نگاری تجاری

تجربه امروز ایتالیا

نویسنده: پائولو مانچینی

ترجمه: شیروانی

خواندن مقاله کاتز (Katz) برای من فوق‌العاده مهم بود: برخی اوقات محققان احساس نیاز می‌کنند که فرضیه‌شان - که خود طرح کرده‌اند و نسبت به آنها شک و تردید دارند - به نحوی مورد تأیید قرار گیرند. من در نوشته کاتز تأیید مطالبی را می‌بینم که قبلاً برای جامعه ایتالیا (مانچینی ۱۹۹۱ a) نوشته‌ام و نیز حمایت از ایده‌های خاصی که هرگز فرصت بیان کامل آن را نداشته‌ام و همچنان در مورد آنها شک و تردید دارم.

خلاصه آنکه با اکثر گفته‌های کاتز موافق هستم چرا که ایتالیا، برخی از مشکلاتی را که وی به آنها اشاره می‌کند، بیشتر نشان می‌دهد. علاوه بر آن، شرایط ایتالیا، سایر مسائل مرتبط با موارد مورد اشاره کاتز را نیز می‌نمایاند. پوشش خبری جنگ خلیج [فارس] به وضوح نشان داد که فن‌آوری جدید رسانه‌ای، چگونه و تا چه حد برای روند تولید و پردازش اخبار تهدید محسوب می‌شود. این فن‌آوری حتی ممکن است از بین رفتن این روند را نیز تسریع کند. این نتیجه نه تنها از تجربه سی.ان.ان. بلکه به‌طور کلی از پوشش اخبار جنگی و به ویژه پوشش تلویزیونی حاصل گردیده است. در واقع موقعیت کنونی و این شیوه پوشش دادن به اخبار، گرایش‌هایی را که قبلاً در بسیاری مواقع دیگر ظاهر شده بود تأیید کرد. تصویری که در مقابل دیدگاه خود می‌بینم، تصویر یک گوینده تلویزیون ایتالیاست که گزارش‌های خبرگزاری‌ها را که توسط دستپایی مرموز پیش روی وی نهاده شده است، قرائت می‌کند. تازه‌ترین خبر، دریافت شده است. گوینده اخبار هنوز در حال ورود به اتاق تحریریه است و هنوز فرصت مطالعه اخبار جدید دریافتی را نداشته است. گوینده خبر نمی‌داند این اخبار چیست و درباره چه موضوعی است. فقط می‌داند که اخبار مذکور مربوط به جنگ است. حتی نمی‌داند این اخبار

حقیقی است یا خیر و نمی‌داند که میزان صحت و درستی آنها در چه حدی است. گوینده خبر سپس با بیم و هراس، همچون فردی که نمی‌داند نتیجه و پیامد کارش چه خواهد بود، خبر را قرائت می‌کند. با این حال می‌توان گفت که احساس وی تقریباً همواره صادقانه است، این احساس وی هیچ‌گاه مخفی نمی‌ماند و قیافه‌اش هماهنگ با کلماتی که تلفظ می‌کند، تغییر می‌کند.

حاصل کار، یک مشکل عاطفی شدید و فوری است که هم توسط گوینده خبر و هم توسط بیننده، احساس می‌شود. اما در اینجا چه برسر نقش واسط و میانجی روزنامه‌نگاری آمده است؟ این نقش به سادگی محو شده، یا در واقع توسط دو

وقت کمتری را صرف بررسی و تأیید صحت اخبار و تلکس‌های دریافتی کنند. چرا که اخبار، می‌بایست هرچه سریع‌تر برای پخش در اختیار گوینده و یا روزنامه‌نگار قرار گیرد.

همین وضعیت برای خبرنگاران حاضر در صحنه‌های جنگ نیز وجود داشت. تصویر دیگری که در ذهن دارم، تصویر یک روزنامه‌نگار ایتالیایی است که با داشتن ماسک ضدگاز بر روی صورتش از اتاق هتلی در بیت‌المقدس مشغول ارسال خبر بود. وی ناگهان بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌گردد و با قطع فیلم سینمایی که سرگرم تماشای آن بودیم، درصدد برمی‌آید که ما را در بیم و هراسی که وی در آن لحظه در اسرائیل تجربه می‌کند،

■ تمام مراحل که بر نگارش و یا پخش اخبار مقدم بوده کوتاه و یا تقریباً حذف شده‌اند.

■ درست در همان لحظه‌ای که روزنامه‌نگار صحبت می‌کند، رویداد در حال شکل‌گیری و وقوع است. در همین لحظه، روزنامه‌نگار باید تحقیق و بررسی واقعیات را به اتمام رسانده باشد و بر تمامی رویدادهای احتمالی که سرگرم توصیف آنهاست، اشراف داشته باشد.

پدیده مهم - که طی سالهای اخیر ژورنالیسم تلویزیونی ایتالیا را شکل داده‌اند - حریم‌ناهی بلعیده شده است. ما بیشتر به یکی از این پدیده‌ها که همان تکنولوژی جدید رسانه‌ای است اشاره داشته‌ایم.^۱ دومین پدیده، تشدید رقابت بین شبکه‌هاست که در دهه ۱۹۸۰ همراه با فرایند تجاری شدن سیستم سخن‌پراکنی/رادیو تلویزیون/ایتالیا، صورت گرفت.

به اعتقاد من جنگ خلیج [فارس] پیامدهای این دو پدیده را آشکار نمود. فن‌آوری جدید، فاصله زمانی بین جمع‌آوری خبر و انتشار رادیو تلویزیونی آن را به شدت کاهش داد و در همین حال رقابت و ضرورت‌های پیشی گرفتن از سایر شبکه‌ها، سبب گردید که سردبیران

شریک سازد: عراق یک فروند موشک اسکاد (Scud) به سوی اسرائیل شلیک کرده و او هر لحظه در انتظار اصابت آن به خاک اسرائیل است. ولی روزنامه‌نگار مورد بحث، جز این حرف، هیچ مطلب دیگری برای گفتن در چنته ندارد. وی صدای آژیر را در بیرون اتاق می‌شنود، ولی نمی‌داند که آیا صدای آژیر آمبولانس است که برای نجات مصدومین حمله موشکی عراق به سرعت عازم محل اصابت موشک است و یا آنکه در پاسخ به یک تلفن «کاملاً عادی» عازم خانه یک بیمار است. به‌طور خلاصه باید گفت آنچه که پخش می‌شود، خبر واقعی نیست، بلکه تجلی احساس، حال‌وهوای و فضایی است که در آن، بیننده بخش جدایی‌ناپذیر

یک نمایش درام است نه داستانی که به‌طور واقعی در گوشه‌ای از جهان روی می‌دهد. بیننده نیز به محض روی دادن حادثه، آن را به صورت دست اول تجربه می‌کند. در این شرایط، بیننده از نظر احساسی، همچنان که لازمه رقابت شبکه‌های تلویزیونی است، درگیر و پایبند موضوع می‌شود.

روزنامه‌نگاری امروز در ایتالیا

پوشش خبری جنگ خلیج [فارس]، از جمله نقش سی.ان.ان، یک مورد مجرد نیست. بلکه مشکلات و گرایشاتی که

اتفاق افتاده به چیزی که در همین لحظه‌های حال در حال وقوع است، تغییر داد.» (شاهزاده دهکده جهانی» ۱۹۹۲ ص ۱). روزنامه‌نگار، بیشتر به یک شاهد تبدیل می‌شود تا یک راوی خبر. مشکل مهمی که اکنون ظاهر شده به‌گنگ و پیچیده بودن روزنامه‌نگاری حرفه‌ای مربوط می‌شود: ارائه تعریف از روزنامه‌نگاری حرفه‌ای که چیست و چه باید باشد، کار ساده‌ای نیست. تمام مراحل که بر نگارش و یا پخش اخبار مقدم بوده کوتاه و یا تقریباً حذف شده‌اند. درست در همان لحظه‌ای که روزنامه‌نگار

■ نوع جدیدی از حرفه خبری شکل گرفته که توان تصمیم‌گیری فوری و حضور به موقع در مکان مناسب، از جمله ویژگی‌های آن است.

■ ایتالیا از یک روزنامه‌نگاری کاملاً مرتبط با قدرت سیاسی که تا به حال نیز مورد حمایت بوده است و با ورودی‌هایی به شدت آموزش دیده و تحصیل‌کردگان دانشگاهی شناخته می‌شود، ناگهان به سوی روزنامه‌نگاری تجاری جهش کرده است.

■ بسیاری از تعاریف «خبر» را باید بازنویسی کرد و آن را از چیزی که قبلاً اتفاق افتاده به چیزی که در همین لحظه حال در حال وقوع است، تغییر داد.

■ مشکل، همیشه همان است که بود: فرصت برای پردازش، نگارش و ویرایش کاهش یافته و تقریباً به صفر رسیده است.

سازنده هویت و شخصیت روزنامه‌نگاری امروز ایتالیا را نیز نمایان می‌کند. مهمترین مطالب اساسی روزنامه‌نگاری امروز ایتالیا را موضوعاتی چون سرقت، جنایت، گروگان‌گیری و دیگر اخبار بی‌ارزش تشکیل می‌دهند.

مشکل، همیشه همان است که بود: فرصت برای پردازش، نگارش و ویرایش کاهش یافته و تقریباً به صفر رسیده است. مجله تایم در شماره‌ای که به تد ترنر (Ted Turner) اختصاص یافته بود، نوشت: «بسیاری از تعاریف اخبار را باید بازنویسی کرد و آن را از چیزی که قبلاً

صحبت می‌کند، رویداد درحال شکل‌گیری و وقوع است. در همین لحظه، روزنامه‌نگار باید تحقیق و بررسی واقعیات را به اتمام رسانده باشد و بر تمامی رویدادهای احتمالی که سرگرم توصیف آنهاست، اشراف داشته باشد. فرصت تصمیم‌گیری برای روزنامه‌نگار به شدت کاهش یافته و او از نقطه‌نظر لحاظ کردن تیزبینی‌های مربوط به باورهای اخلاقی اجتماع در تصمیم‌گیری‌ها، فرصت کمتری خواهد داشت. به‌طور مثال روزنامه‌نگار آیا مجاز است/ یا مجاز نیست که برخی از صحنه‌های

خشونت‌آمیز و یا صحنه‌هایی که ممکن است غم‌انگیز باشند و موجبات صدمات روحی را فراهم آورند، نشان دهد؟ آیا یک روزنامه‌نگار می‌بایست حریم خصوصی افرادی را که در یک رویداد حضور داشته‌اند زیرپا بگذارد و واقعیات و اطلاعاتی را که تأیید آنها امکان‌پذیر نیست، گزارش کند؟ این قبیل تصمیم‌گیری‌ها قبلاً در یک فرایند طولانی‌تر و با حضور افراد متعدد و با سطح اختیارات متفاوت اتخاذ می‌گردید. امروزه این احتمال بیشتر وجود دارد که روزنامه‌نگار در صحنه رویداد و یا گوینده خبر در استودیو، تنها مسؤول تصمیم‌گیرنده در این موارد باشند. تقبل این مسؤولیت، مستلزم برخورداری از یک زمینه قبلی و تجربه کافی است که احتمالاً هرکسی نیز واجد آن نیست. نوع جدیدی از حرفه خبری شکل گرفته که توان تصمیم‌گیری فوری و حضور به موقع در مکان مناسب، از جمله ویژگی‌های آن است.

تا اینجا مطلب جدیدی عنوان نشده است: تأیید آنچه که برشمردم، آسان است و از جانب کاتر و سایرین نیز در کشورهای مختلف مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است. اما علاوه براین، ما در ایتالیا مشکلات ایتالیایی خاص خود را داریم که فرایند تجاری شدن سیستم رسانه‌های جمعی باعث تشدید آنها می‌شود. این فرایند به‌خاطر فقدان مجموعه‌ای از معیارهای اخلاقی قوی و واقعاً مستقل حرفه‌ای که قادر باشد قوانین و مقررات رفتار حرفه‌ای را به سمت حقوق حقه‌شان هدایت کند، درحال شکل‌گیری است. ایتالیا از یک روزنامه‌نگاری کاملاً مرتبط با قدرت سیاسی که تا به حال نیز مورد حمایت بوده است (به این معنا که نفوذ سیاسی، مواردی چون حرفه‌ای بودن، موفقیت و حتی تیراژ آن را تضمین کرده است) و با ورودی‌هایی به شدت آموزش

دیده و تحصیل‌کردگان دانشگاهی شناخته می‌شد، ناگهان به سوی روزنامه‌نگاری تجاری جهش کرده است. این جهش با چشمانی بسته در برابر تمامی خطرات تجارتمندی شدن سیستم و رقابت شبکه‌ها، صورت می‌گیرد. در عین حال این نکته را نیز باید در نظر داشت که امکانات فوق‌العاده زیادی که فن‌آوری‌های جدید ایجاد می‌کنند، بیش از پیش به این رقابت‌ها دامن می‌زنند. تمامی این مسائل در حالی در ایتالیا روی می‌دهد که جای یک سنت قوی در زمینه آموزش حرفه‌ای و همچنین یک کرسی ثابت برای آزمون و بسط قوانین اخلاقی درباره روال تهیه و گزارش اخبار و غیره در این حرفه خالی است.

ایتالیا از یک سبک خاص در روزنامه‌نگاری تبعیت می‌کند که دیمه زاتو (Dimezzato) نامیده می‌شود و آن نوعی روزنامه‌نگاری است که قدرت و نقش آن دو نیم شده است. (Pansa^۲، ۱۹۸۶). یا به بیان دیگر نوعی روزنامه‌نگاری است که استقلال آن توسط نفوذهای ایدئولوژیکی اخلاقی و قانونی - که از جانب قدرت‌های سیاسی و اقتصادی تحمیل شده است - مخدوش شده و به یک «ناروزنامه‌نگاری» (Non journalism) تبدیل شده است. حال این احتمال وجود دارد که در این نوع خاص از روزنامه‌نگاری، نقش تفریحی و سرگرم‌کنندگی وسایل ارتباط جمعی بر نقش خبری و اطلاع‌رسانی آن، فائق آید. در این ارتباط، روزنامه‌نگاری امروز ایتالیا مملو از نمونه‌هایی فراوان و مثال‌زدنی از عدم وجود اصول اخلاقی قوی، مورد قبول و منسجم است که منجر به پیروی از عواطف و احساسات و تلاش بیش از حد برای پیش‌دستی در ارائه اخبار دست اول شده است. این تلاش‌ها، اغلب به ضرر پوشش مناسب اخبار و عدم تشخیص مرز بین اخبار و تفسیر تمام می‌شود. بنابراین در حالی که روزنامه‌نگاری ایتالیایی برای

سالهای متمادی نقش مداخله‌جویانه داشته و عمیقاً درگیر واقعیاتی که پوشش می‌داد، می‌شد. (Murialdi، ۱۹۸۶)، امروزه تجاری‌شدن سیستم رسانه‌ها، به ویژه تلویزیون نه تنها روزنامه‌نگاری مداخله‌جویانه را همراهی نمی‌کند، بلکه جانشین آن نیز شده و در عوض، نیازها و الزامات رقابت تجاری شبکه‌ها را که از یک وجدان بیدار حرفه‌ای نشأت نگرفته است، تحمیل می‌نماید.

در حال حاضر دو مدل متضاد از روزنامه‌نگاری ایتالیایی در حال شکل‌گیری است؛ یکی روزنامه‌نگاری سنتی است که

(Seymour - ure، ۱۹۶۸؛ Maneini، ۱۹۹۱b) به نظر می‌رسد دگرگونی روزنامه‌نگاری چاپی در ایتالیا ظرف چندسال گذشته فرایندی را طی کرده است و آنها را هرچه بیشتر به هفته‌نامه‌ها شبیه می‌کند (Sellimanzione). فرایندی که بر تحقیقات، تفسیر و تعبیر که ویژگی روزنامه‌نگاری مداخله‌جوی ایتالیاست، تأکید بیشتری دارد و در بیشتر بخش‌ها به‌طور «افقی» به سمت سایر سیاستمداران و چهره‌های مرتبط با اقتصاد و فرهنگ که در همین سطح جامعه فعالیت می‌کنند، هدایت شده است.

■ روزنامه‌نگاری امروز ایتالیا نوعی روزنامه‌نگاری است که استقلال آن توسط نفوذهای ایدئولوژیکی اخلاقی و قانونی - که از جانب قدرت‌های سیاسی و اقتصادی تحمیل شده است - مخدوش شده و به یک «ناروزنامه‌نگاری» (Non journalism) تبدیل شده است.

■ روزنامه‌نگاری امروز ایتالیا مملو از نمونه‌های فراوان و مثال‌زدنی از عدم وجود اصول اخلاقی قوی، مورد قبول و منسجم است که منجر به پیروی از عواطف و احساسات و تلاش بیش از حد برای پیش‌دستی در ارائه اخبار دست اول شده است.

همزمان با انجام این تحول و دگرگونی، وظیفه تأمین اطلاعات پیرامون رویدادهای جاری از تلویزیون سلب شد. هرچند هنوز تلویزیون ایتالیا، حداقل در پوشش دادن به اخبار سیاسی، بیشتر یک تلویزیون مداخله‌جو است.

مدل دیگر روزنامه‌نگاری جدید «تجارتی» است که به آسانی نیاز اولیه به جذب خواننده عادی را می‌پذیرد و این نیاز را با ارائه و سبک‌های مختلف خبرنگاری پاسخ می‌دهد. روزنامه‌نگاری جدید تلویزیونی، همان‌گونه که جنگ خلیج [فارس] آن را به اثبات رساند، عمدتاً

بیشتر به پوشش اخبار سیاسی می‌پردازد و اغلب صحنهٔ مقابله و درگیری بین عقاید سیاسی و ایدئولوژیکی متضاد است و البته همچنان همین نقش را در آینده نیز ایفا خواهد کرد. مطبوعات ایتالیا گرچه در چارچوب بازار فعالیت می‌کنند ولی یقیناً از نوع یادشده می‌باشند، اما یک جریان ارتباطی «هدایت شدهٔ افقی» را ارائه می‌دهند که توسط چند ارگان نخبه تولید می‌شوند. این جریان، دیگر نخبگان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را خطاب قرار داده و از آنها می‌خواهند که با ارسال پیام، مذاکره و گفت‌وگو را آغاز کنند.

از این نوع است. این نوع روزنامه‌نگاری با نوع دیگری از روزنامه‌نگاری که همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد، در تضاد و دشمنی است و باعث ایجاد سردرگمی، ناهمخوانی، تضاد حرفه‌ای و جارجنگال می‌گردد.

نیاز به آموزش حرفه‌ای

قدر مسلم اینکه پاسخ به مسائل جدید را می‌توان در ارائه آموزش صحیح حرفه‌ای پیدا کرد، اما جبران تأخیرهای گذشته به رغم تلاش‌ها و اهتمام سازمان‌های حرفه‌ای، کار مشکلی خواهد

نیز باعث می‌شود. در این الگوی جدید، ارائه یک تعریف صریح و روشن از سطوح تصمیم‌گیری، کاری اساسی خواهد بود. این چیزی بود که به ناآرامی‌های کارگری در دهه ۱۹۲۰ آن را به موازنه‌های پیچیده قدرت و مذاکرات در درون سازمان‌های خبری واگذار کرده بود. همین امر باعث

شد که هیچ‌یک به روشنی و به‌طور تثبیت شده ایجاد نشوند. از این دیدگاه مورد آر.آی. (R.A.I) بنگاه سخن‌پراکنی عمومی، مثال خوبی است. در این بنگاه هنوز به‌طور قطع و یقین مشخص نشده که

■ روزنامه‌نگاری ایتالیا، سالهای متمادی نقش مداخله‌جویانه داشته و عمیقاً درگیر واقعیاتی می‌شد که پوشش می‌داد. اما امروز تجاری‌شدن رسانه‌ها، که از یک وجدان بیدار حرفه‌ای نشأت نگرفته است، نیازها و الزامات رقابت تجاری را به آن تحمیل می‌کند.

■ در حال حاضر دو مدل متضاد از روزنامه‌نگاری ایتالیایی در حال شکل‌گیری است؛ یکی روزنامه‌نگاری سنتی که بیشتر به پوشش اخبار سیاسی می‌پردازد و اغلب صحنهٔ مقابله و درگیری بین عقاید سیاسی و ایدئولوژیکی متضاد است و دیگری روزنامه‌نگاری جدید تجارتي است که به آسانی نیاز اولیه به جذب خواننده عادی را می‌پذیرد و این نیاز را با ارائه و سبک‌های مختلف خیرنویسی پاسخ می‌دهد.

بود. (تا چند سال پیش در ایتالیا دانشکده‌هایی برای آموزش و تربیت روزنامه‌نگار وجود داشت). در نتیجه به‌نظر می‌رسد که کنار آمدن با روزنامه‌نگاری جدید از نوع «شاهد حاضر در صحنه» (On-The-Spot Witness) که

تکنولوژی‌های جدید آن را امکان‌پذیر ساخته و شرایط جدید رقابتی نیز باعث تحمیل آن شده است، مشکل‌تر خواهد بود. روزنامه‌نگاری جدید، همان‌گونه که شاهد بوده‌ایم، نه تنها مشکلات حرفه‌ای بودن، بلکه مسائل ساختاری و سازمانی را

می‌رسد که در اثر جنگ خلیج [فارس] رشد هر دو آنها متوقف شده است. البته این وقعه در رشد غیرمنتظره بود؛ اهمیت وقایع بین‌المللی باعث دورشدن مخاطبان، اعم از بیننده و خواننده، از اخبار و موضوعات داخلی گردید و رشد خوانندهٔ تیراژ روزنامه‌های محلی و مخاطبان تلویزیون‌های محلی را متوقف کرد. به‌نظر می‌رسد تغییر سلیقه مخاطبان و کم‌شدن گرایش آنها به اخبار داخلی کماکان ادامه دارد و روزنامه‌های محلی و برنامه‌های خبری تلویزیون، هنوز هیچ‌کدام نتوانسته‌اند مخاطبان از دست رفته در جریان جنگ را مجدداً جذب کنند.

این تغییر و تحول واجد اهمیت است، چرا که توجه فزایندهٔ عموم به وقایعی که در اطراف آنها اتفاق می‌افتد می‌تواند سبب گردد که روزنامه‌نگاری مداخله‌جویانه و پرآدا - که در فضای سیاسی، ایدئولوژیکی و فرهنگی خاص مطبوعات «فره‌یخته» ایتالیا بهتر رشد و نمو می‌کند - کم‌وبیش عامدانه کنار گذاشته شود. این مسأله می‌تواند دست‌اندرکاران مطبوعات را متقاعد کرده باشد که «مردم کوچک و بازار» را بیشتر مورد توجه قرار دهند و به نخبگان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که قبلاً مورد توجه بودند، توجه کمتری نشان دهند.

اما مهمترین دگرگونی که احتمالاً روزنامه‌نگاری ایتالیا را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد، تحولی است که هم‌اکنون در شرف انجام است. این دگرگونی عبارت است از به اجرا درآمدن قانون مربوط به سخن‌پراکنی (پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی) که در ماه اوت ۱۹۹۰ به تصویب پارلمان ایتالیا رسید. و به فینین وست (Finnin Vest) بزرگترین شبکه خصوصی اجازه می‌دهد که به تهیه خبرهای تلویزیونی بپردازد. نظام جدید که بر رقابت مستقیم بین برنامه‌های خبری تلویزیونی استوار است، تغییرات جدید و

تصمیمات نهایی تحریریه را چه کسی باید اتخاذ کند، سردبیر اخبار و یا رئیس بنگاه سخن‌پراکنی؟ این مشکل در دوران جنگ خلیج [فارس] که تصمیمات مهم و فوری می‌بایست اتخاذ می‌شد، ظاهر گردید.^۲

یک پدیده دیگر که در جریان جنگ خلیج [فارس] مطرح شد، تیراژ روزنامه‌های محلی بود که در سالهای اخیر و قبل از شروع جنگ به‌طور مداوم در حال افزایش بود.^۲ ایستگاه‌های خبری تلویزیون محلی نیز طی سالهای اخیر رشد چشمگیری داشته‌اند. با این حال به‌نظر

قابل توجهی در قالب‌ها، فرایندهای گزینش و سبک‌های تفسیر اخبار تلویزیونی ایجاد خواهد کرد، با این حال پیش‌بینی اینکه این تغییرات دقیقاً چه چیزی خواهد بود، هنوز غیرممکن است. در حال حاضر هیچ چیز به‌طور قطع و یقین مشخص نیست، تنها سؤالات جدید مطرح است.

با این حال با تولد شبکه‌های خصوصی، یک وضعیت جدید ابهام‌انگیز و متناقض در حال شکل‌گیری است. از روزنامه‌نگاری که برای تلویزیون دولتی کار می‌کند بیش از پیش خواسته می‌شود

نمی‌کند. مخاطب (بازار) و بالاتر از آن صاحب شبکه تجاری، برای روزنامه‌نگار شاغل در بخش تجاری و خصوصی مهمترین مرجع محسوب می‌شود. با این حال در مورد روزنامه‌نگار شاغل در بخش دولتی، مسأله «مالکیت»، در سیستم پیچیده احزاب سیاسی ایتالیا، با تمامی درخواست‌های مربوط کثرت‌گرایی، تضمین‌ها، حضور در صحنه و مذاکرات سیاسی تجسم پیدا می‌کند.

در این شرایط و اوضاع، روزنامه‌نگاری ایتالیا، که بین جناح‌های سیاسی مختلف تقسیم شده، کماکان

محسوب می‌شده است. نقش این روش در شرایطی که سیستم‌های مختلف مالکیت وجود دارد چیست؟ اصول آن در اوضاع فوق‌العاده پیچیده سیاسی که با مدل روزنامه‌نگاری جانبدارانه خو گرفته است، کدام است؟ اینها سؤالاتی است که باید هرچه زودتر به آنها پاسخ داد. □

* این مطلب ترجمه‌ای است از:

Old and New Contradictions in Italian Journalism, *Journal of Communication* 42 (3), Summer 1992, pp. 42-47.

** پائولو مانچینی، دانشیار مؤسسه مطالعات اجتماعی در دانشگاه پروجا در ایتالیا است.

پی‌نویس‌ها:

۱. کتاب‌های فراوانی در این باره نوشته شده است. به ویژه ایل کامپو (۱۹۹۰) *Il Campo*.
۲. جیامپائولو پانسا *GiamPalo Pansa* یکی از سرشناس‌ترین روزنامه‌نگاران ایتالیایی است.
۳. بزرگترین جنجال هنگامی روی داد که سردبیر تی.جی.ای T.G.I. (په‌بیننده‌ترین شبکه خبری تلویزیونی در ایتالیا) موفق به انجام یک مصاحبه اختصاصی با صدام حسین گردید ولی بنا به تصمیم رئیس ار.آ.ای (R.A.I) این مصاحبه با چند روز تأخیر پخش شد.
۴. گرچه اخیراً رشد اندکی وجود داشته است ولی تیراژ روزنامه‌ها در ایتالیا در مقایسه با سایر کشورهای اروپا جزو پایین‌ترین‌هاست.

منابع:

1. *Il Campo*. (1990). *La Professione giornalistica in Italia [Professional Journalism in Italy]*. Fondazione Adriano Olivetti.
2. Mancini, p. (1991 a). *Giornalismo, guerra e neo-televisione [Journalism, war and neo-television]*. *Problemi dell'informazione*, 3,375-377.
3. Mancini, p. (1991 b). The public sphere and the use of news in a "coalition" system of government. In p. Dahlgren and C. Sparks (Eds), *Communication and Citizenship*, pp. 137-154 London: Routledge.
4. Murialdi, p. (1986). *Storia del giornalismo Italiano [History of Italian Journalism]*. Torino: Gutenberg 2000.
5. Pansa, G. (1986). *Carte false [False papers]*. Milano: Rizzoli.
6. Seymour-Ure, C. (1968). *The Press, Politic and the public*. London: Methuen.
7. Staff. (1992, January 6). Prince of the global Village. *Time*, p.1.

■ مخاطب (بازار) و بالاتر از آن صاحب شبکه تجاری، برای روزنامه‌نگار شاغل در بخش تجاری و خصوصی مهمترین مرجع محسوب می‌شود.

■ روزنامه‌نگاری ایتالیا، که بین جناح‌های سیاسی مختلف تقسیم شده، کماکان نتوانسته است به تعریف جامعی از اصول حرفه‌ای و اخلاقی ارگانیک و منسجم و مورد اتفاق که تمامی روزنامه‌نگاران را - صرف‌نظر از اینکه کارفرمایان کیست - دربرگیرد، برسد.

نتوانسته است به تعریف جامعی از اصول حرفه‌ای و اخلاقی ارگانیک و منسجم و مورد اتفاق که تمامی روزنامه‌نگاران را - صرف‌نظر از اینکه کارفرمایان کیست - دربرگیرد، برسد. بنابراین فرایند تجاری شدن و فرصت‌های فراوانی که تکنولوژی‌های جدید فراهم می‌آورند، به‌خطر بروز اختلاف بین حرفه‌ای‌های شاغل در خبر تلویزیونی دامن می‌زند. این کار تماماً مستلزم بازنگری در ایده تلویزیون دولتی است. یعنی همان چیزی که تاکنون یکی از مهمترین ایده‌ها در روزنامه‌نگاری تلویزیونی در اروپا

که بی‌طرفی و کثرت‌گرایی را حفظ کند، قطعاً از شبکه‌های تجاری چنین توقعی وجود ندارد. در واقع باید گفت درحالی که شیوه عمل روزنامه‌نگار شاغل در تلویزیون دولتی وابسته به دستورالعمل‌ها و کنترل‌های کمیسیون بیداری پارلمان (ارگان دولت سیاسی برای آر.آ.ای (R.A.I) که توسط پارلمان انتخاب می‌گردد) است، رفتار و نحوه عمل روزنامه‌نگار شاغل در تلویزیون خصوصی به سازمان‌های تعیین‌کننده ضوابط و مقررات که رعایت معیارهای اخلاقی را تضمین می‌کنند، ارتباطی پیدا